

داغ بی نهایت

شعری در سوگ آیت الله سید یدالله صدری (ره)



مردی از روزگار ما کم شد
سیدی از سلاله نیکان
چهره اش مهربان چو پیغمبر
هم یدالله فوق ایدیهم
سینه اش پُر گشاده از ایمان
او که استاد حوزه ی دین گشت
عالمی در لباس روحانی
یک مبارز ، مجاهدی نستوه
او به شاگردی مراجع رفت
گره مشکلات وا می کرد
اسوة زهد و پارسایی گشت
از بدی های دشمنان بگذشت
او به بخشندگی که شهرت داشت
او به پاکی چو کودکی می ماند
با همه مهربان و خوش برخورد
مجلس و عظ او صفایی داشت
عاشق سوره های قرآنی

که خدا را نشان و آیت بود
شیعه ای پیرو امامت بود
وارث خاتم نبوت (ص) بود
نام او برگرفته ز آیت بود
سعة صدر او به غایت بود
با عمل راوی روایت بود
دین اسلام را علامت بود
اهل تیزبینی و شجاعت بود
در عمل حامی ولایت بود
اهل تدبیر و با درایت بود
مظهر عزت و کرامت بود
طبع او شیوه ی مناعت بود
راه و رسمش ، ره مروت بود
تازه از مادرش ولادت بود
چه صمیمی و با محبت بود
سخنانش همه نصیحت بود
خواندش بهترین تلاوت بود

بسته رخت از میان ما مردی
رمضان بی تو سرد و غمگین است
آیت الله صدری ما رفت
جای او در میان ما خالی است

که به حق پرچم عدالت بود
مسجد و منبرت عبادت بود
رحلتش مثل یک شهادت بود
رفتنش داغ بی نهایت بود